

ایهام تناسب‌های پنهان بر پایه اصطلاحات موسیقی در دیوان حافظ

چکیده

ایهام تناسب یکی از ویژگی‌های مهم سبک حافظ است. از سوی دیگر حافظ با عوالم موسیقی آشنا بوده است و به همین سبب با استفاده از اصطلاحات موسیقی ایهام‌های پنهان و آشکاری در شعر خود ایجاد کرده است. در دیوان او برخی از اصطلاحات کم‌کاربرد موسیقی در کنار اصطلاحات مشهور این حوزه به‌گونه‌ای قرار گرفته‌اند که ایهام تناسب تشکیل می‌دهند اما از آنجا که خوانندگان با خوانش نخست نمی‌توانند به این روابط لغوی و ایهام تناسب‌های پنهان پی ببرند، برخی از این اصطلاحات در مطاوی ابیات حافظ مستتر و ناشناخته مانده است. در مقاله حاضر پس از تقسیم‌بندی کاربرد اصطلاحات موسیقی در دیوان حافظ و تبیین نوع جدید آن یعنی اصطلاحات موسیقی همراه با ایهام تناسب یا ایهام تناسب دوسویه پنهان، به بررسی اصطلاحات کم‌کاربردی چون چرخ، روح، شیشه، عاشق، گفتار، معشوق، نسیم، نگار، وصال، سبز، شاهنشاهی، شاهی، شکن، شکن‌درشکن، شمامه پرداخته شده است. این اصطلاحات به‌گونه‌ای در کنار اصطلاحات شناخته‌شده‌ای چون پرده، خوش‌خوان، آواز، بربط، نی قرار گرفته‌اند که ایهام تناسب پنهان تشکیل می‌دهند. کشف این ایهام تناسب‌های پنهان التذاذ هنری خوانندگان را از اشعار حافظ بیشتر می‌کند.

کلیدواژه: اصطلاحات موسیقی، ایهام تناسب پنهان، دیوان حافظ.

مقدمه

پیوند حافظ و موسیقی از مسائلی است که بسیاری از محققان بدان پرداخته‌اند. از جمله سودی گفته است: «خواجه حافظ به‌غایت خوش‌آواز و خوش‌خوان بوده است» (به نقل از ملاح، ۱۳۶۷: ۱۱). از دیگر سو، حافظان قرآن در روزگاران گذشته با مقام‌های حجاز، عراق، حسینی، اصفهان و مانند این‌ها آشنا بوده‌اند و حافظ نیز که قرآن را در چهارده روایت از بر می‌خوانده است، احتمالاً با اکثر این مقام‌ها آشنا بوده است (همان: ۱۰).

باری، چه حافظ موسیقی‌دان بوده باشد و چه نبوده باشد، چه سازی نواخته باشد و چه نواخته باشد، آشنایی دقیق و همراه با جزئیات خوانندگان حافظ با اصطلاحات و مفاهیم موسیقایی در التذاذ ادبی ایشان بسیار مؤثر خواهد بود. از دیگر سو، ایهام تناسب از ویژگی‌های سبکی حافظ است. شمیسا می‌نویسد: «اساساً مختصه اصلی شعر حافظ ایهام تناسب است نه ایهام» (۱۳۸۶: ۱۲۴). ایشان در جایی دیگر نوشته است: «مدار سبک حافظ بر ایهام و طنز است. هر دو در معنی وسیع یعنی انواع ایهام (مثلاً ایهام تناسب) و انواع طنز» (۱۳۸۸: ۹۹). تعریف ایهام تناسب در کتب بلاغی آمده است و نیازی به باز تعریف آن نیست. ایهام تناسب دوسویه یا ایهام تناسب از گونه دوم را کزازی اینگونه توضیح می‌دهد: «آن است که دو واژه در بیت به‌کار برده شده باشد که هرکدام دو معنا داشته باشند اما سخنور تنها یک معنا را از آن‌ها خواسته باشد. پس، آن دو در دو معنای خواسته نشده با یکدیگر پیوند و همبستگی داشته باشند. نمونه را، همان سرور سخن‌سرایان و پارسای پارسایان در بیت زیر، پرده‌ساز و خرده‌سبج، دو واژه تازیان و پارسایان را در معنای تازندگان و

پرهیزگاران به کار برده است؛ لیک هرکدام از این دو را معنایی دیگر نیز هست: تازیان در معنای عربان است و پارسایان در معنای پارسیان یا ایرانیان. دو واژه، در این دو معنای دیگر که از دید گزارش بیت، خواستِ خواجه نیست با هم ایهام تناسب از گونه دوم می‌سازد:

تازیان را غم احوال گرانباران نیست پارسایان! مددی تا خوش و آسان بروم»
(کزازی، ۱۳۸۱: ۱۳۹)

اما مراد از ایهام تناسب‌های پنهان آن دسته از ایهام تناسب‌هاست که فقط خوانندگان آشنا با عوالم لغوی می‌توانند آن‌ها را تشخیص دهند و با نگاه اول نمی‌توان به آن‌ها پی برد. برای نمونه در این بیت:

سزد کز خاتم لعلش زلم لاف سلیمانی

چو اسم اعظمم باشد چه باک از اهرمن دارم
(حافظ، ۱۳۸۷: ۲۶۹)

کمر خواننده‌ای می‌تواند با خوانش اول تشخیص دهد که «سلیمانی» نام گونه‌ای از لعل بوده است. شفיעی کدکنی در این باره می‌نویسد: «سلیمانی یکی از انواع لعل بوده است. رجوع شود به عرایس الجواهر، چاپ افشار ۶۱، که سلیمانی را یکی از معادن لعل بدخشان معرفی می‌کند» (شفיעی کدکنی، ۱۳۹۷: ۱۸۷/۲).
مثلاً در بیت زیر نیز:

بر دل من کمان کشید فلک لرز تیرم ز استخوان برخاست
(خاقانی، ۱۳۸۲: ۶۰)

اگر بدانیم که استخوان «نام سلاحی از اسلحه جنگ» است (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل استخوان) متوجه ایهام تناسب پنهان آن با کمان و تیر می‌شویم. ممکن است برخی بر این باور باشند که شاعر نسبت به این نوع ایهام تناسب‌ها آگاه نیست. شفיעی کدکنی در این باره می‌نویسد: «شما در برخورد با

یک اثر هنری، اعم از شعر و موسیقی یا نقاشی و تئاتر و سینما، هرگز آن را در ذهنیات خود محدود نکنید. در یاد داشته باشید که حوزه هنر - من جمله شعر - قلمرو تداعی آزاد است و شما نمی‌توانید محدودیتی برای آن قائل شوید» (۱۳۹۷: ۲۳/۳). نورمن هالند نیز در این نوع خوانش‌ها، بر نقش خواننده و ظرفیت متن برای این نوع تحلیل‌ها تأکید می‌کند: «[وی] می‌گوید: معنی فقط در متن نیست بلکه چیزی است که ما در محدوده متن برای متن می‌سازیم. یعنی متن ایستا نیست، پویاست. تأکید او بر این است که ناخودآگاه، بر اثر ادبی نفوذ دارد و آن را تغییر شکل می‌دهد. او این مطلب را با تأکید بر نقش خواننده آغاز می‌کند» (شمیسا، ۱۴۰۱: ۱۵۶). لاکان نیز معتقد است که: «این نحوه‌های گفتار یا صنایع بدیعی سازوکارهای ناخودآگاهانه دارند» (همان: ۱۵۷). شمیسا نیز در این باره می‌نویسد: «شاعران چه آگاه و چه ناآگاه بین کلمات روابطی ایجاد می‌کنند» (همان: ۵۳).

پیشینه پژوهش

درباره اصطلاحات موسیقایی در دیوان حافظ پژوهش‌های متعددی صورت گرفته است؛ از جمله: حسینعلی ملاح در کتاب *حافظ و موسیقی* اغلب اصطلاحات موسیقایی مشهور و شناخته‌شده در دیوان حافظ را تشریح کرده است؛ اصطلاحاتی همچون: ابریشم، ارغنون، اصفهان، آواز، آهنگ، باربد، بازگشت، بانگ، بربط، بم و زیر و غیره. یاسر دالوند (۱۳۹۶) نیز در کتاب *زین آتش نهفته: پژوهشی در ابهام‌های پنهان شعر حافظ* به بسیاری از اصطلاحات موسیقایی حافظ که با ابهام تناسب پنهان به‌کار رفته‌اند اشاره کرده است؛ اصطلاحاتی چون: بهمن، باده، باد نوروزی، بار، بسته، بلبل، زاغ، گل و غیره.